

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

مقدمه ..... 1

### فصل 1 : کلیات و تحقیق واژگان

1-1 معنای لغوی و اصطلاحی قاعده ..... 10

1-1-1 معنای لغوی قاعده ..... 10

2-1-1 مفهوم اصطلاحی قاعده ..... 10

3-1-1 تفاوت قاعده اصولی و قاعده فقهی ..... 11

2-1 مفردات قاعده ..... 14

1-2-1 معنای لغوی و اصطلاحی جمع ..... 14

1-1-2-1 معنای لغوی جمع ..... 14

2-1-2-1 معنای اصطلاحی جمع ..... 14

2-2-1 معنای لغوی و اصطلاحی امکان ..... 17

1-2-2-1 معنای لغوی امکان ..... 17

2-2-2-1 معنای اصطلاحی امکان ..... 17

3-2-1 معنای لغوی و اصطلاحی اولویت ..... 19

1-3-2-1 معنای لغوی اولویت ..... 19

2-3-2-1 معنای اصطلاحی اولویت ..... 20

4-2-1 معنی لغوی و اصطلاحی طرح ..... 22

1-4-2-1 معنای لغوی طرح ..... 22

- 22.....2-4-2-1 معنای اصطلاحی طرح
- 23.....3-1 **تعارض ادله**
- 23.....1-3-1: معنی لغوی تعارض
- 24.....2-3-1 مفهوم اصطلاحی تعارض
- 29.....3-3-1 چند نکته در باب تعاریف
- 33.....4-3-1 اقسام تعارض
- 35.....4-1 **تفاوت بین تعارض، تراحم و اجتماع امر و نهی**
- 35.....1-4-1 فرق میان تعارض و تراحم
- 38.....2-4-1 فرق میان تعارض و اجتماع امر و نهی
- 38.....3-4-1 فرق میان تراحم و اجتماع امر و نهی
- 39.....5-1 **دلیل**
- 39.....1-5-1 معنای لغوی و اصطلاحی دلیل
- 40.....2-5-1 انواع دلیل
- 40.....1-2-5-1 انواع دلیل به لحاظ کیفیت بیان دلیل
- 40.....2-2-5-1 انواع دلیل به لحاظ نوع دلیل
- 41.....3-2-5-1 انواع دلیل به لحاظ کیفیت کشف دلیل
- 41.....6-1 **شروط تعارض**
- 42.....1-6-1 شرایط عمومی تعارض
- 42.....1-1-6-1 وجود حداقل دو دلیل محرز
- 43.....2-1-6-1 حجیت هر دو دلیل
- 43.....3-1-6-1 تعارض در مقام جعل
- 44.....4-1-6-1 تنافی مدلول دو دلیل

- 44.....2-6-1 شروط مختص به تعارض مستقر
- 44.....1-2-6-1 قطعی نبودن یکی از دو دلیل
- 45.....2-2-6-1 وحدت در مبادی هشتگانه
- 46.....3-2-6-1 تکافوی دو دلیل
- 46.....4-2-6-1 عدم امکان جمع عرفی
- 47.....7-1 جایگاه قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»
- 47.....1-7-1 توضیح موارد جمع عرفی:
- 47.....1-1-7-1 تخصّص
- 48.....2-1-7-1 ورود
- 50.....3-1-7-1 حکومت
- 51.....4-1-7-1 تخصیص
- 52.....2-7-1 تفاوت و شباهت‌های اصطلاحات چهارگان
- 52.....1-2-7-1 تخصّص و ورود
- 52.....2-2-7-1 حکومت و تخصیص
- 55.....3-2-7-1 حکومت و ورود
- 56.....3-7-1 جایگاه قاعده جمع
- 56.....1-3-7-1 خروج ورود و تخصّص از قاعده جم
- 57.....2-3-7-1 ادله غیرمحرز از قاعده جمع
- 58.....1-2-3-7-1 تعارض بین دو اصل عملی
- 58.....2-2-3-7-1 تعارض بین دلیل اجتهادی و اصل عملی
- 59.....3-3-7-1 ادله غیرلفظی از قاعده جمع

60.....4-3-7-1 خروج ادله قطعی از قاعده جمع

61.....5-3-7-1 نتیجه

## فصل 2: مدارک قاعده

63.....1-2 مقتضای قاعده اولی در متعارضین

63.....1-1-2 مبنای سببیت

64.....2-1-2 مبنای طریقت

65.....3-1-2 قاعده اولی متعارضین طبق مبنای سببیت

66.....4-1-2 قاعده اولی متعارضین طبق مبنای طریقت:

67.....2-2 قاعده جمع و اصل اولی

69.....3-2 مدارک و دلایل جمع

69.....1-3-2 دلایل جمع عملی

71.....2-3-2 دلایل جمع تبرعی

72.....1-2-3-2 دلیل اول:

73.....2-2-3-2 دلیل دوم:

75.....3-2-3-2 دلیل سوم:

76.....4-2-3-2 دلیل چهارم:

78.....3-3-2 ادله عدم حجیت جمع تبرعی:

- 83..... 4-3-2 دلایل جمع عرفی.
- 84..... 1-4-3-2 کتاب:
- 84..... 2-4-3-2 سنت:
- 85..... 3-4-3-2 استدلال عقلی
- 86..... 4-4-3-2 اجماع:
- 86..... 5-4-3-2 سیره عقلا:
- 87..... 6-4-3-2 وجوب تبعیت از ظواهر
- 87..... 7-4-3-2 عدم تنافی بین دو دلیل:

### فصل 3: نقش عرف و سیره عقلا در جمع بین ادله متعارض

- 89..... 1-3-1 معنای لغوی و اصطلاحی عرف
- 89..... 1-1-3-1 معنای لغوی عرف
- 90..... 2-1-3-1 معنای اصطلاحی عرف
- 91..... 3-2-2 سیره عقلا:
- 91..... 3-2-1-1 تعریف سیره عقلا:
- 93..... 3-2-2-2 اقسام سیره عقلا
- 93..... 3-2-2-1-1 تقسیم‌بندی شهید صدر در کتاب بحوث فی علم الاصول:
- 93..... 3-2-2-2-2 تقسیم‌بندی شهید صدر در کتاب دروس فی علم الاصول:
- 94..... 3-3-3 نسبت بنای عقلا و عرف
- 97..... 3-4-4 بررسی ظهور

- 97..... 1-4-3 معنای ظهور ...
- 98..... 2-4-3 اقسام ظهور .....
- 100..... 3-4-3 حجیت ظهور: .....
- 100..... 1-3-4-3 مراد از حجت .....
- 101..... 2-3-4-3 موضوع حجیت .....
- 103..... 3-3-4-3 حجیت ظهور .....
- 105..... 4-3 مقصود از امکان جمع عرفی: .....
- 110..... 5-3 ملاک یا ضابطه جمع عرفی: .....
- 110..... 1-5-3 ضابطه اول: .....
- 112..... 2-5-3 ضابطه دوم: .....
- 115..... 6-3 شروط جمع عرفی .....
- 115..... 1-6-3 لفظی بودن دو دلیل .....
- 116..... 2-6-3 وحدت متکلم .....
- 117..... 3-6-3 احراز اصل صدور .....
- 117..... 4-6-3 احراز جهت صدور .....
- 118..... 5-6-3 صحت تعبد به هر دو دلیل بعد از جمع .....
- 118..... 6-6-3 قرینه بودن یکی از دو دلیل .....
- 118..... 7-6-3 عدم اتصال دو دلیل متعارض .....
- 119..... 8-3 کیفیت جمع عرفی .....

#### فصل 4: موارد جمع عرفی

- 123..... 1-4 قرینه شخصی (حکومت) .....
- 123..... 1-1-4 تعریف حکومت .....

- 123..... 1-1-1-4 تعریف شیخ انصاری
- 124..... 2-1-1-4 تعریف محقق خراسانی
- 125..... 3-1-1-4 تفاوت تعریف شیخ انصاری و محقق خراسانی
- 125..... 4-1-1-4 تعریف محقق نائینی:
- 126..... 5-1-1-4 تفاوت تعریف نائینی با تعریف شیخ انصاری و محقق خراسانی
- 127..... 6-1-1-4 تعریف شهید صدر
- 127..... 7-1-1-4 نتیجه تعاریف:
- 128..... 2-1-4 اقسام حکومت:
- 128..... 1-2-1-4 تقسیم بندی محقق نائینی
- 129..... 2-2-1-4 تقسیم بندی محقق خوئی:
- 130..... 3-2-1-4 تقسیم بندی شهید صدر
- 131..... 3-1-4 ضابطه و معیار تقدم حاکم بر محکوم:
- 131..... 1-3-1-4 نظریه محقق نائینی
- 132..... 2-3-1-4 نظریه شهید صدر
- 133..... 3-3-1-4 وجه تمایز دو نظریه
- 133..... 4-1-4 احکام حکومت
- 136..... 5-1-4 موارد اجرای حکومت:
- 137..... 2-4 قرینه نوعی
- 138..... 1-2-4 مواردی که یکی از دو دلیل نص و دیگری ظاهر باشد
- 138..... 1-1-2-4 تقدیم خاص بر عام (تخصیص)
- 139..... 1-1-1-2-4 تعریف عام و خاص در اصطلاح

|          |           |   |
|----------|-----------|---|
| 141..... | 2-1-1-2-4 | اقسام عام   |
| 143..... | 3-1-1-2-4 | اقسام تخصیص   |
| 146..... | 4-1-1-2-4 | ادله تخصیص:   |
| 148..... | 5-1-1-2-4 | ملاک تخصیص:   |
| 153..... | 2-1-2-4   | حمل مطلق بر مقید(تقید)  |
| 153..... | 1-2-1-2-4 | تعریف مطلق و مقید:  |
| 154..... | 2-2-1-2-4 | مقدمات حکمت   |
| 159..... | 3-2-1-2-4 | احکام صور و اشکال حمل مطلق بر مقید                                  |
| 162..... | 4-2-1-2-4 | ملاک تقید   |
| 163..... | 3-1-2-4   | تقدیم نص در هر یک از دو دلیل بر ظاهر دلیل دیگر                      |
| 164..... | 4-1-2-4   | حمل هر یک از دو دلیل بر قدر متقین                                   |
| 165..... | 5-1-2-4   | تقدیم دلیلی که در ماده اجتماع دارای قدر متقین است                   |
| 166..... | 6-1-2-4   | تقدیم دلیلی که در مورد اجتماع وارد شده است                          |
| 166..... | 7-1-2-4   | موردی که تخصیص یکی از دو عام، موجب تخصیص مستهجن می شود              |
| 168..... | 7-1-2-4   | تقدیم دلیلی که در مورد مقادیر، اوزان، مسافت و مانند آن وارد شده است |
| 168..... | 2-2-4     | <b>مواردی که یکی از دو دلیل اظهر و دلیل دیگر ظاهر باشد</b>          |
| 169..... | 1-2-2-4   | تقدم عام وضعی بر مطلق شمولی   |
| 172..... | 2-2-2-4   | تقدیم مطلق شمولی بر مطلق بدلی                                       |
| 174..... | 3-2-2-4   | تقدیم تخصیص بر نسخ:   |
| 183..... |           | <b>نتایج پایانی</b>   |
| 185..... |           | <b>فهرست منابع</b>  |



## مقدمه پژوهش

### 1 - تعریف مسئله و تبیین موضوع

«الجمع مهما أمكن أولى من الطرح» که به «قاعده جمع» نیز شهرت دارد، یکی از قواعد مهم و مشهور اصول فقه است که نقش اساسی در رفع تعارض بدوی میان ادله، ایفا می‌کند.

مقصود از قاعده جمع، این است که هر گاه بین مدلول دو یا چند دلیل شرعی، تعارض و تنافی پیش آید، بر مجتهد لازم است که تمام توان خود را به کار گیرد تا بین آنها جمع کرده و از کنار گذاشتن و طرح یکی یا همه دلایل اجتناب کند.

اصل این مطلب که باید در صورت امکان، بین ادله متعارض جمع کرد، مورد قبول همگان قرار دارد. اما در اینکه مقصود از جمع چیست بین اصولیان اختلاف نظر ایجاد شده است؛ گروهی مقصود از جمع را اعم از جمع عملی و دلالی می‌دانند. در مقابل، گروه کثیری، جمع را مختص جمع دلالی دانسته‌اند. در میان همین گروه نیز اختلاف ایجاد شده که میان انواع جمع دلالی، کدام یک مقبول و صحیح است؟ آیا جمع عرفی مورد نظر است یا جمع تبرعی نیز می‌تواند در رفع تعارض بین ادله کارساز باشد؟

به عقیده مشهور اصولیان امامیه، مقصود از جمع در این قاعده، جمع دلالی عرفی است و جمع عملی و تبرعی به علت اینکه دارای ضابطه و ملاک روشن و مشخصی نیستند، صحیح نبوده و در صورت عمل بر طبق آنها هرج و مرج در فقه لازم می‌آید.

یکی دیگر از مسائل مهم در این قاعده، نقش اساسی عرف و سیره عقلا در جمع بین ادله متعارض و ایجاد سازگاری بین آنها است. به جهت اینکه شارع در بیان احکام شریعت از شیوه و زبان عرفی استفاده کرده است، می‌توان در فهم متون دینی، به نظر عرف اهل محاوره، رجوع کرد. چنین فهمی از متون شرعی، نوعاً کاشف از اراده واقعی شارع بوده و به همین دلیل، از حجیت برخوردار است.

قاعده جمع به دلیل اینکه به رفع تعارض ادله می‌انجامد، در همه ابواب فقه و در هر جا که دو یا چند دلیل لفظی با هم تعارض پیدا کنند، قابل اجرا است. از جمله می‌توان به موارد «عام و خاص»، «مطلق و مقید» و «حاکم و محکوم» اشاره کرد. به عبارت دیگر هرگاه دو یا چند دلیل با یکدیگر تعارض و تنافی پیدا کنند، اولین گزینه برای مجتهد قاعده جمع عرفی است و در صورت عدم امکان جمع، به قواعد باب تعارض رجوع خواهد کرد.

## 2 - پیشینه پژوهش

به جهت اینکه قاعده جمع، به منظور رفع تعارض ادله لفظی به کار می‌رود، هر گاه دو دلیل لفظی متعارض وجود داشته باشد، بحث از این قاعده و کاربرد آن به میان می‌آید. در کتاب‌های اصولی اگر چه به نص قاعده «الجمع مهما امکن أولى من الطرح»، کمتر اشاره شده است، اما در دو بخش از موارد آن، سخن به میان آمده است:

۱- در مباحث الفاظ و در باب «عام و خاص» و «مطلق و مقید»، آنجا که از «حمل عام بر خاص» و «حمل مطلق بر مقید» صحبت می‌شود.

۲- اغلب در خاتمه کتاب و مبحث تعارض ادله یا تعادل و تراجیح، به طور مجمل و پراکنده و تحت عناوین تخصص، ورود، حکومت و تخصیص به قاعده جمع اشاره شده است.

در این میان، دانشمندانی مانند شیخ مرتضی انصاری در کتاب «فرائد الاصول»، جمع عرفی را تحت عنوان «القضية المشهورة» بررسی کرده‌اند.<sup>۱</sup> به تبع ایشان چند تن از شارحان کتاب «فرائد الاصول»، از جمله موسوی تبریزی در کتاب «اوثق الوسائل فی شرح الرسائل»<sup>۲</sup>، میرزای شیرازی در کتاب «تقریرات شیرازی»<sup>۳</sup>، محمد حسن آشتیانی در کتاب «بحر الفوائد فی شرح الفرائد»<sup>۴</sup> و میرزای رشتی در کتاب «بدایع الافکار»<sup>۵</sup>، به شرح این قاعده پرداخته‌اند.

همچنین مرحوم مظفر در کتاب «اصول الفقه»<sup>۶</sup> و شهید صدر در کتاب‌های «بحوث فی علم الاصول»<sup>۷</sup> و «دروس فی علم الاصول»<sup>۸</sup> در مبحث تعارض غیر مستقر، به قاعده جمع اشاره کرده‌اند.

اخیراً نیز اصولیانی مانند شیخ جعفر سبحانی در کتاب «المحصول فی علم الاصول»<sup>۹</sup> و «ارشاد العقول فی مباحث علم الاصول»<sup>۱</sup> و ناصر مکارم شیرازی در کتاب «انوار الاصول»<sup>۲</sup>

---

۱- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۷۵۳.

۲- موسوی تبریزی، موسی، اوثق الوسائل، ص ۵۹۱.

۳- میرزای شیرازی، محمد حسن بن محمود، تقریرات شیرازی، ج ۴، ص ۱۹۵.

۴- آشتیانی، محمد حسن، بحر الفوائد، ج ۴، ص ۱۴.

۵- رشتی، حبیب الله، بدایع الافکار، ص ۴۰۷.

۶- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۲۳۳.

۷- صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، ج ۷، ص ۴۳.

۸- همو، دروس فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۲۲.

۹- سبحانی تبریزی، جعفر، المحصول فی علم الاصول، ج ۴، ص ۴۴۲.

و علی اکبر سیفی مازندرانی در کتاب «بدایع البحوث فی علم الاصول»<sup>۳</sup>، از قاعده جمع بحث کرده‌اند. به طور کلی در کتاب‌های اصولی ذیل، به جمع عرفی به عنوان یک قاعده پرداخته شده است.

۱- مرتضی انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۷۵۳ تحت عنوان: «الكلام فی قضیة المشهورة و هی الجمع مهما امکن أولى من الطرح».

۲- موسوی تبریزی، اوثق الوسائل، ص ۵۹۱ تحت عنوان: «التحقیق فی القضیة المشهورة الجمع مهما امکن أولى من الطرح».

۳- حبیب الله رشتی، بدایع الافکار، ص ۴۰۷ تحت عنوان: «الكلام فی بیان القاعدة المعروفة».

۴- محمد حسن آشتیانی، بحر الفوائد، ج ۴، ص ۱۴ تحت عنوان: «المراد من قاعدة الجمع و شرح الفاظ الواقعه فیها».

۵- علی روزدری، تقریرات شیرازی، ج ۴، ص ۱۹۵ تحت عنوان: «قاعدة الجمع مهما امکن أولى من الطرح».

۶- محمدرضا مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۲۳۳ تحت عنوان: «الجمع العرفی».

۷- محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۲۲ تحت عنوان «قاعدة الجمع العرفی».

---

۱- همو، ارشاد العقول الی مباحث الاصول، ج ۴، ص ۳۳۵.

۲- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۳، ص ۵۰۲.

۳- سیفی مازندرانی، علی اکبر، بدایع البحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۲۴۷.

۸- محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۷، ص ۴۳ تحت عنوان: «التعارض الغير المستقر».

۹- علی اکبر سیفی مازندرانی، بدایع البحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۲۴۵ تحت عنوان: «قواعد حول تعارض الأخبار»، «التعارض غیر المستقر».

همچنین رساله دکترا و پایان نامه‌های کارشناسی ارشد در رابطه با تعارض ادله و قواعد رفع آن وجود دارند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- فخلعی، محمدتقی، «تعارض ادله شرعیة مقارنة آرای اصولین امامیه و اهل سنت»، تهران، دانشگاه تهران، رساله دکترا فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۸۱.

۲- حسینی، محمد باقر، «بررسی قواعد حل تعارض ادله لفظی»، قم، دانشگاه قم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، ۱۳۸۶.

۳- قدیری، غالب، «تعارض و تراحم ادله و تطور تاریخی آن»، قم، دانشگاه قم، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۸۷.

۴- صمدی اصفهانجق، محمد، «تعارض بین ادله کیفری و آثار آن»، تهران، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۶.

۵- فعال زاده، علیرضا، «تعارض ادله احکام در حقوق ایران»، دانشگاه مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، ۱۳۸۶.

مقالات:

۱- هاشمی خانعباسی، علی، «تعارض ادله و قواعد رفع آن»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال ششم، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۳۸۹.

۲- راغبی، محمد علی، «شیوه‌های تعارض زدایی از ادله استنباط»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۲.

### 3 - پرسش‌ها

- ۱- معنای ظاهری قاعده چیست؟ و آیا جمع تبرعی و عملی را شامل می‌شود؟
- ۲- جایگاه قاعده جمع کجاست و در تعارض بین چه نوع ادله‌ای، از آن استفاده می‌شود؟
- ۳- مدارک و اسناد قاعده کدام است؟
- ۴- نقش عرف در مورد جمع بین دلایل متعارض چگونه است؟
- ۵- موارد اجرای قاعده جمع، کدام است؟

### 4 - فرضیه‌ها

۱- معنایی ظاهری قاعده این است که بر مجتهد لازم است در مسیر استنباط احکام شرعی، در صورت مواجهه با متون متعارض، تمام توان خود را به کار بگیرد تا بین دو دلیل، صلح و سازگاری برقرار کند و از طرح و دور انداختن یکی از دو دلیل یا هر دو، اجتناب کند. به عقیده مشهور اصولیان شیعه، تنها جمع عرفی، که از پشتیبانی عرف و سیره عقلا برخوردار است، مقبول و معتبر است و جمع عملی و تبرعی مورد قبول نیستند.

۲- قاعده جمع، در تعارض بین ادله لفظی شرعی اجرا می‌شود؛ زیرا تفسیر و تأویل که لازمه جمع عرفی است، مخصوص لفظ است. بنابراین تعارض ادله لبی مثل دلیل عقل و اجماع، از تحت این قاعده خارج هستند.

۳- جمع عرفی به دلیل اینکه هیچ منافاتی با اصل اولی (تساقط) و ثانوی (تخیر یا ترجیح) متعارضین ندارد، نیارمند هیچ مدرک و توجیهی برای اجرا و اعمال نیست. با این حال از کتاب، سنت، عقل، اجماع و سیره عقلا برای آن استدلال شده است.

۴- عرف عام یا سیره عقلا، نقشی اساسی را در جمع بین دو دلیل متعارض ایفا می‌کند. هرگاه دو دلیل لفظی شرعی با یکدیگر تعارض پیدا کنند، در برخی موارد عرف یکی از دو دلیل را، قرینه بر دلیل دیگر تشخیص داده و از این طریق، به مراد واقعی و جدی متکلم دست پیدا می‌کند.

۵- موارد جمع عرفی عبارت است از حکومت دلیلی بر دلیل دیگر، تخصیص و تقیید و به طور کلی موارد تقدیم نص بر ظاهر و تقدیم اظهر بر ظاهر. اما مورد تخصّص و ورود از تحت قاعده جمع خارج هستند؛ زیرا در این موارد هیچ تعارضی بین دو دلیل در مقام جعل و تشریح ایجاد نمی‌شود. بدیهی است در صورت عدم تعارض، نیازی به جمع عرفی نخواهد بود.

## 5 - ضرورت پژوهش:

با وجود اینکه علم به یکپارچگی و هماهنگی کامل شریعت اسلام و عدم وجود تعارض حقیقی در خطابات شارع داریم، اما عوامل گوناگونی باعث ایجاد تعارض بین ادله، به خصوص روایات صادر شده از معصومان (ع) شده‌اند. به جهت اینکه آیات قرآن و احادیث، مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع و ادله استنباط را تشکیل می‌دهند، رفع تعارض بین

آن‌ها از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است. همین امر نشان دهنده اهمیت و کاربرد ویژه قاعده «الجمع مهما امکن أولى من الطرح» است؛ چرا که توسط اعمال و اجرای آن، تعارض و تنافی بین ادله برطرف شده و کشف مراد واقعی شارع، میسر می‌گردد.

از آنجا که تاکنون در مورد این قاعده مهم و کاربردی، بحث مستقل و جامعی صورت نگرفته است، شایسته است به بررسی معنا و مفهوم آن بپردازیم و ملاک و ضابطه، جایگاه، نحوه اجرا و موارد آن را روشن کنیم.

از همین رو در این پژوهش، ابتدا سعی در تنقیح و روشن کردن معنا و مفاد قاعده جمع و بیان جایگاه آن در میان ادله شرعی خواهیم داشت. در ادامه اسناد و مدارک، ملاک و معیار آن را بررسی می‌کنیم و در نهایت نحوه کاربرد قاعده را توضیح داده و مثال‌ها و شواهدی را ارائه خواهیم کرد.

## **6 - روش پژوهش**

روش انجام این تحقیق تحلیلی و روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد و تا حد امکان از منابع اصیل و دست اول استفاده شده است.

## **7 - ساختار پژوهش**

این نوشتار از چهار فصل و یک نتیجه تشکیل شده است:

در فصل اول، به منظور آشنایی با معنای قاعده جمع و تبیین جایگاه اصلی آن، ابتدا مفردات تشکیل دهنده قاعده که عبارتند از: «جمع»، «امکان»، «اولویت» و «طرح» را از نظر لغوی و اصطلاحی بررسی کرده‌ایم. همچنین به جهت اینکه قاعده جمع در بستر



تعارض ادله شرعی جاری می‌شود، معنای لغوی دلیل و انواع و اقسام آن تحلیل شده و معنای تعارض و شروط و احکام آن بیان شده است. بدین وسیله جایگاه قاعده جمع در میان انواع ادله، روشن می‌شود.

در فصل دوم، بعد از تبیین اصل عقلی در تعارض ادله، به بررسی مدارک قاعده جمع پرداخته‌ایم. بدین منظور استدلال‌هایی که برای هر یک از اقسام جمع، یعنی جمع عملی، جمع تبرعی و جمع عرفی ارائه شده، بررسی می‌شود.

در فصل سوم، جایگاه و نقش عرف را در جمع بین ادله متعارض بیان کرده‌ایم. بعد از توضیح معنای لغوی و اصطلاحی عرف و سیره عقلا، نقش عرف را در کشف مراد واقعی متکلم از طریق ظواهر الفاظ کلام، توضیح داده‌ایم. معنای ظهور، انواع آن، حجیت و موضوع ظهور نیز بررسی شده و در نهایت، ملاک و ضابطه جمع عرفی و شروط آن بیان شده است.

در فصل چهارم، موارد جمع عرفی از قبیل حکومت، تخصیص، تقیید و موارد دیگر، همراه با مثال‌ها و شواهدی از احادیث و آیات ارائه شده است.

## فصل 1 : کلیات و تحقیق واژگان

در فصل نخست این نوشتار، برای روشن شدن مفهوم قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»، ابتدا به این مسئله می‌پردازیم که قاعده چیست و تفاوت قاعده اصولی و فقهی کدام است. سپس واژگان و مفرداتی که در این قاعده منظور شده‌اند را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. این واژگان عبارتند از: «جمع»، «مکان»، «اولویت» و «طرح». در ادامه با بیان معنای تعارض، تراحم، اجتماع امر و نهی، دلیل و اقسام آن، جایگاه اصلی و مجرای قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» - که از این پس به طور اختصار به آن قاعده جمع می‌گوییم - روشن می‌گردد.

### 1-1 معنای لغوی و اصطلاحی قاعده

#### 1-1-1 معنای لغوی قاعده

قاعده در لغت به معنای اساس و ریشه است.<sup>۱</sup> به پایه و ریشه هر چیز، چه مادی و چه معنوی قواعد گفته می‌شود. خداوند در قرآن کریم قاعده را در همین معنا بیان کرده است.<sup>۲</sup>

#### 1-1-2 مفهوم اصطلاحی قاعده

قاعده در اصطلاح به معنای ضابطه است؛ یعنی گزاره یا حکمی کلی که منطبق بر جزئیات خود باشد.<sup>۳</sup> تمام شاخه‌های دانش قاعده‌مند هستند. یعنی دارای پایه، گزاره و احکامی کلی هستند که در هنگام شناسایی جزئیات از آنها، بر تمامی جزئیات خود

---

۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۶۱؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۲۹؛  
۲- بقره/ ۲۷.

۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۱؛ تهنوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۵، ص ۱۱۷۶؛ محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه مدنی، ج ۲، ص ۲۱.

منطبق می‌شوند. از جمله در دانش اصول فقه می‌توان به قاعده «صیغه نهي مفید حرمت است» یا قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» اشاره کرد. همچنین در دانش فقه نیز قواعد فراوانی مانند «قاعده ید»، «قاعده لاضرر» و غیره وجود دارد. قاعده جمع را می‌توان یک قاعده نامید زیرا واجد خصوصیات ذکر شده برای قاعده می‌باشد؛ چرا که گزاره و حکمی کلی است که منطبق بر جزئیات خود بوده و دارای شمول است.

### 1-1-3 تفاوت قاعده اصولی و قاعده فقهی

تفاوت این دو، به تفاوت علم اصول فقه با علم فقه برمی‌گردد؛ علم اصول فقه، علمی ابزاری است؛ به این معنا که قواعد این دانش صرفاً وسیله و ابزاری برای استنباط احکام شرعی هستند. در حالی که علم فقه، علمی استقلالی است. قاعده فقهی، حکمی کلی است که دارای مصادیق و جزئیاتی است که هر کدام مسئله‌ای فقهی و شرعی هستند. دانشمندان علم فقه و اصول برای جداسازی این دو نوع قاعده، ضوابطی ارائه کرده‌اند که عبارتند از:

- ۱- اجرای قاعده فقهی میان مجتهد و مقلد مشترک است، ولی تطبیق قاعده اصولی مختص مجتهد است.<sup>۱</sup>
- ۲- قاعده فقهی استقلالی است درحالی که قاعده اصولی، آلی بوده و ابزاری برای استنباط احکام است.<sup>۲</sup>
- ۳- قاعده فقهی مستقیماً به عمل مکلف تعلق می‌گیرد، بر خلاف قاعده اصولی که تعلق آن به فعل مکلف با واسطه است.<sup>۳</sup>

---

۱- انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، ج ۲، ص ۵۴۵؛ لنگرانی، محمد فاضل، *مباحث اصولی*، ص ۱۴۷.

۲- سبحانی، جعفر، *تهذیب الاصول*، ج ۱، ص ۵.

۳- حکیم، سید محمد تقی، *الأصول العامة للفقہ المقارن*، ص ۳۹.

۴- قاعده فقهی، تطبیقی ولی قاعده اصولی، استنباطی است. به عبارت دیگر قاعده اصولی، قاعده‌ای است که برای تحصیل و استنباط حجت از احکام شرعی کلی به کار می‌رود و در کبرای قیاس استنباط قرار می‌گیرد. اما قاعده فقهی عبارت از حکمی کلی و شرعی است که منطبق بر احکام فرعی شرعی جزئی است، که در حقیقت از مصادیق آن حکم کلی هستند.<sup>۱</sup>

۵- هدف و غایت قاعده اصولی بیان شیوه‌های اجتهاد و استنباط است، اما هدف قاعده فقهی بیان حکم حوادث جزئی است.<sup>۲</sup>

۶- قاعده اصولی صلاحیت به کارگیری در بیشتر ابواب فقهی را دارد اما قاعده فقهی اغلب به یکی از ابواب اختصاص دارد.<sup>۳</sup>

۷- استخراج قاعده اصولی بر قاعده فقهی متوقف نیست، ولی قاعده فقهی نتیجه کبرای قیاس در قاعده اصولی است؛ زیرا چنانچه گفته شد قواعد فقهی خود نوعی از احکام شرعی هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت سرچشمه احکام فقهی، ادله شرعی هستند. استخراج و استنباط احکام شرعی از ادله، به کمک قواعد اصولی و با ابزار علم اصول صورت می‌گیرد.<sup>۴</sup>

هر یک از موارد ذکر شده، مورد بحث و مناقشه زیادی قرار گرفته‌اند که بررسی آن‌ها از طاقت این تحقیق خارج است. اما با توجه به همه مطالب ذکر شده می‌توان معیار و ضابطه‌ای کلی برای تمیز قواعد اصولی از قواعد فقهی را عنوان کرد. جعفر سبحانی، این معیار را این‌چنین بیان می‌کند: «معیار در تمیز مسائل اصولی از قواعد فقهی محمولات

---

۱- خوئی، ابوالقاسم، *محاضرات فی اصول الفقه*، ج ۱، ص ۸؛ سیفی مازندرانی، علی اکبر، *بدایع البحوث فی علم الاصول*، ج ۵، ص ۲۵۰.

۲- شهید اول، محمد بن مکی، *القواعد و الفوائد*، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳- جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، ذیل واژه قواعد اصولی.

۴- حکیم، محمد تقی، *الأصول العامة للفقه المقارن*، ص ۳۹؛ لطفی، اسد...، *قواعد فقه مدنی*، ص ۸.